

## «صنایع دستی اصفهان و مشکلات آن»

### چکیده:

صنایع دستی، بیانگر هنر، ذوق و فرهنگ یک ملت است و آمیختگی زیادی با تاریخ سنتها، محیط جغرافیایی و نیازهای مصرفی مردم دارد. مخصوصاً با توجه به عدم نیاز به سرمایه ی زیاد، ابزار ساده، یادگیری آسان، همچنین اشتغال زایی فراوان و ایجاد تفاهم ملی و بین المللی در روند توسعه ی محلی و ملی، بسیار تاثیرگذار و ضروری است و ترویج و فعال کردن آن علاوه بر بازدهی های فرهنگی و اقتصادی، موجب جلب جهانگرد نیز می گردد.

صنایع دستی به روستاها نیز پایداری داده، موجب افزایش درآمدهای محلی و کاهش مهاجرت به شهر می گردد.

منطقه ی اصفهان با توجه به معروفیت، مرکزیت، هوشمندی و ذوق مردم، سابقه ی هنری و نیز استعدادهای محیطی و جغرافیایی، باید در استمرار و رونق صنایع دستی و رفع مشکلات آن بکوشد تا علاوه بر بهره مندی های اقتصادی و فرهنگی و شهرت ملی و بین المللی، این صنعت مادی و معنوی نیز حفظ و پایدار گردد.

در این مقاله، انواع صنایع دستی اصفهان بررسی و آسیب شناسی شده، جهت بهبود شرایط و مطلوبیت آن راه کارهای لازم، ارائه گردیده است.  
کلید واژه‌ها: صنایع دستی، اشتغال زایی، جهانگرد. درآمدهای محلی

#### مقدمه:

شهر اصفهان نه تنها در ایران که در همه ی جهان به هنر و هنرمندی معروف و عمده شهرت آن مدیون صنایع دستی و هنری است، که انواعی از آنها در این شهر تولید و عرضه می گردد؛ چنانکه کالبد و فضای معماری خود شهر، مخصوصاً مناطق مرکزی آن نیز همین حالت را داشته «مساجد، مدارس، مقابر، پلها، فضای کالبدی، بازار و میدان بسیار زیبا و چشم نواز نقش جهان این حکایت را تایید می کند».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از محققان می نویسد: اصفهان از دیر زمان، مهد صنعت و هنر ایران بوده، امروزه نیز بزرگترین و معروفترین شهر هنری ایران به شمار می رود (هنرفر، ۱۳۵۶، ص ۱۸۲).

این شهر در تاریخ هنر ایران به مقام و منزلت رفیعی رسیده که در آثار هنرشناسان خارجی و داخلی نیز در ادوار مختلف منعکس شده است، چنانکه پروفیسور پوپ<sup>۱</sup> هنرشناس معروف آمریکایی ۶ جلد اثر درباره هنر ایران و اصفهان دارد.

یک پژوهشگر آورده است :

این شهر از دیر زمان، گاهواره ی هنر و تجلی گاه زیبایی های ایران بوده است. هنرهای نظیر نقاشی، مینیاتور، کاشی سازی، قالی بافی، تذهیب کاری، قلمدانسازی، قلمزنی، موسیقی و ده ها هنر دیگر که در جهان، هنر را چه از جهت ظرافت و چه از نظر ذوق و ابداع مبهوت می کند، نمره و حاصل هنرمندی هنرمندان سرزمین اصفهان است (انصاری ۱۳۷۹، ص ۴۴۵).

اما واقعیت این است که امروزه با توجه به ازدیاد جمعیت، هجوم ماشین، تولید انبوه و ارزان همه نوع محصول، کمی مواد اولیه محلی و تغییرات الگوهای مصرف و غیره صنایع دستی و محصولات آن - با تمام ارزش و اهمیتی که دارد- از رونق زیاد و مورد انتظاری- حتی در محیط های هنری امثال اصفهان- برخوردار نیست که در صورت ادامه همین شرایط خطر رکود بیشتر و حتی نابودی کامل آن می رود.

۱- پروفیسور آرتور پوپ (Arthur · u Pham · Pope) ایران شناس و محقق آمریکایی (مدفون در اصفهان نزدیک پل خواجو) صاحب مجموعه ۶ جلدی، تحت عنوان «A Survey of Persia Art» در مورد صنایع مستظرفه ایران که یکی از جامع ترین و معتبرترین منابع علمی موجود درباره هنر ایران و اصفهان است. او تالیفات دیگری نیز درباره ایران داشته و شیفته ی هنر ایران بویژه اصفهان بوده، می نویسد:

« دو هزار سال است که دنیای متمدن جدید قریحه ی ایران را در زیبایی و خلق زیبایی ها ستوده است. معماری و نقاشی هند شمالی زیر نظر صنعتگران ایران پدید آمده است و هیچ کشوری نیست که از هنرها و صنایع ایران به نحوی متاثر نشده باشد».

لذا بررسی، معرفی و آسیب شناسی و ارائه راهکارها جهت شناخت و ماندگاری آن ضرورت دارد. این مقاله نیز با همین هدف، عمدتاً از طریق روشهای میدانی و سپس اسنادی، در شش بخش، تهیه و تنظیم گردیده است.

### تعریف:

صنایع دستی به بخشی از هنر و صنعت گفته می شود که با بهره گیری از مواد اولیه بومی و انجام کار اساسی که به کمک دست و ابزار دستی و سنتی انجام می شود، منجر به ساخت محصولاتی می گردد که هر کدام ذوق و هنر و خلاقیت سازندگان آن را به نمایش می گذارد.

این صنایع شامل تولیداتی می شود که علاوه بر جنبه ی مصرفی دارای ویژگی های هنری و خلاقیت بوده، مخصوصاً در گذشته در تمام شئون زندگی مردم حضور داشت.

یکی از کارشناسان می نویسد:

صنایع دستی به آن گروه از صنایع اطلاق می شود که تمام یا قسمت اعظم مراحل ساخت فرآورده های آن با دست انجام گرفته، در چهارچوب فرهنگ و بینش های فلسفی و ذوق و هنر انسان های هر منطقه با توجه به دیدگاه های قومی آنان ساخته و پرداخته می شود (حسن بیگی، ۱۳۶۵، ص ۲۰).

این صنعت بدون استفاده از ماشین ایجاد می گردد (صرامی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۶) و عمدتاً دست در آن دخیل است (فرهنگ معین، ۱۳۶۴، ۲۱۶۴). صنعت دستی هر قوم گوشه ای از هویت آنها را در گذشته تاریخی اش بیان می کند (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۲، ص ۶۳).

### اهمیت و سابقه:

صنایع دستی می تواند نقش موثری در رونق اقتصادی داشته باشد. در واقع این هنرها در جریان اقتصاد، نقش مکمل دارند. با اینکه صنایع ماشینی و بویژه اتوماسیون، عده ای را

بیکار می کند ولی صنایع دستی، گروهی را به کار می گیرد. مواد اولیه آن محلی و داخلی است و هنرمندی و خلاقیت فرد در بروز آن متجلی می شود و در بیکار آرام و رقابت با ماشین و عوارض زندگی صنعتی، نوعی تنوع و آرامش ایجاد می کند؛ چنانکه قالی که سمبل عمومی تر هنر و ظرافت است و از جنبه ی اقتصادی، مخصوصاً ارزآوری، نیز اکثراً بعد از نفت، مهمترین کالای صادراتی کشور محسوب می شود؛ همیشه جاذب، زیبا، چشم نواز، و آرام بخش می باشد.

به طور کلی تولید صنایع دستی ناشی از احتیاجات شخصی یا محلی و فراهم بودن مواد اولیه در محل به همراه روحیه ی ابتکار و خلاقیت مردم هر منطقه بوده و از دیرباز در تمام شئون زندگی مردم رسوخ کرده و به صورت جزئی تفکیک ناپذیر از زندگی، پیوند همیشگی هنر، دین، اقتصاد و زندگی را می رساند.

قلمرو هنرهای دستی در مقابر و زیارتگاه ها نیز بسیار محسوس است. به عبارت دیگر این هنرها با زندگی و مرگ، جسم و روح و همه ی زندگی ما سر و کار دارد. همچنین صنایع دستی نقش ارزنده ای در ارتباط با جهانگردی و توسعه ی جهان بینی و بسط فرهنگ ها داشته، ابزاری جهت تفاهم بین ملتها می باشد (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۲، ص ۶۳).

### انواع صنایع دستی و مواد اولیه آن:

صنایع دستی اصفهان از تنوع و گستردگی زیادی برخوردار بوده، هر کدام مواد اولیه بخصوصی را به کار گرفته، محصولات متعدد و متفاوتی را تولید کرده است. لذا برای شناخت و بررسی آنها می توان با توجه به ماده اولیه و اصلی به کار رفته در آن، به تفکیک و طبقه بندی پرداخت مانند: صنایع دستی فلزی؛ پارچه ای؛ چوبی؛ خاک و گلی؛ چرمی و غیره.

## فلزی

صنایع دستی که عمدتاً با فلز سر و کار دارند، عبارت هستند از نقره کاری؛ طلاسازی؛ قلمزنی<sup>۱</sup>؛ مسگری؛ میناگری<sup>۲</sup>؛ برنج کاری<sup>۳</sup>؛ ورشوسازی (ردگل)؛ سماور سازی (دوات گری)؛ آهنگری و غیره

## پارچه ای

صنایع دستی عمده که با پارچه و نوعی دوختن مربوط است. قالی؛ زیلو؛ چادر؛ دستبافی؛ قلمکاری<sup>۴</sup>؛ ملیله<sup>۵</sup>؛ گیوه چینی (گیوه دوزی)؛ کلاه دوزی؛ گل‌دوزی؛ لحاف دوزی؛ ترمه؛ زری و غیره



- ۱- قلمزنی کار روی فلزات است یعنی فروردن یا برجسته کردن سطح فلزات به وسیله ی چکش و قلم مخصوص.
- ۲- مینا گری (یا میناکاری) عبارت است از نقاشی و تزئین روی فلزات مختلف از قبیل طلا، نقره، و مخصوصاً مس.
- ۳- کار روی فلز نسبتاً ارزان برنج، برای ساختن وسایلی مانند: هاون، گلدان، سینی، سطل و غیره .
- ۴- قلمکاری هنر ویژه ی اصفهان است، بدین صورت که انواع طرح ها، نقش ها و کلمات را روی قالب چوبی به طور معکوس (برجسته یا گود) درآورده ، آنرا روی مواد رنگی قرار داده، آنگاه روی پارچه ای عموماً پنبه ای گذارده؛ فشار می دهند در نتیجه طرحها روی پارچه حک می گردد.
- ۵- مفتول های نقره ای را روکش طلا داده، به صورت نخ های نازک با نخ ابریشمی ترکیب کرده برای ایجاد گل و بوته تزئینی روی پارچه (ترمه، حریر و آستین و دامن لباس) استفاده می کنند. نوع اعلا ی آن از رشته های طلا و نوع متوسط (یا بدلی) آن از جنس برنج می باشد که زور سیاه می شود.

## چوبی

صنایع دستی ماده اولیه و اصلی آنها چوب، می باشد خاتم کاری<sup>۱</sup>؛ منبت کاری<sup>۲</sup>؛ معرق<sup>۳</sup>؛ خراطی؛ بادبزن و غیره

## گلی

صنایع دستی فراوانی وجود دارد که منشاء خاکی داشته، ماده اولیه آنها خاک و گل است: کاشی سازی؛ مجسمه سازی؛ مینیاتور و غیره

## چرمی

مجموعه صنایع دستی که با چرم و مشابه چرم مرتبط می باشد مانند: معرق پوستی؛ سراجی؛ نی پیچ<sup>۴</sup>؛ دلو سازی؛ چرم و کفش و غیره

## سایر هنرها

دیگر هنرهای دستی که دارای مواد اولیه متعدد و متنوعی مانند: شیشه؛ کاغذ؛ پلاستیک و غیره یا مخلوطی از مواد مختلف هستند، مهر و پلاک سازی؛ تجلید؛ نقاشی و خط روی چوب و شیشه؛ قاب سازی و غیره

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱- خاتم کاری (یا حکاکی) که چوب، استخوان فلز و رنگ و سریشم را با ظرافت خاص در قطعات کوچک هندسی (اکثر مثلث) تهیه کرده، روی چوب موزائیک گونه، عمل می کنند که بیشتر در ساختن قاب، جعبه، جا قلمی به کار می رود.  
۲- منبت کاری، کنده کاری روی چوب است که بیشتر در مبل و صندلی سازی قاب آینه در و صندوق کاربرد دارد.  
۳- معرق، تنکه هایی از کاشی - و امروزه بیشتر چوب - است که در شیاهای ایجاد شده، جاگذاری می کنند و انواعی از قبیل: معرق منبت، معرق رنگی و برجسته و غیره به وجود می آید.  
۴- از جمله هنرهای وابسته به چرم سازی است و آن نی نرم و قابل انعطافی است که به قلیان وصل می شود (وولف هانس ای، ۱۳۷۲، ص ۸۰).

### صنایع دستی منسوخ:

امروزه بسیاری از هنرهای دستی با تمام معروفیت و رونق آن در گذشته، به دلیل تغییرات الگوهای مصرف، تسهیلات صنایع ماشینی و انتقال تولید از دست به دستگاه (مانند قفل سازی، قیچی سازی، مليله سازی، آجرپزی، سماور سازی، کفشگری، طراحی، حجاری و غیره) با از بین رفتن کارکرد و مصرف آن (مانند پالاندوزی، پوستین دوزی، زین سازی، نعل سازی و غیره) منسوخ شده‌اند و هنرهایی نیز با جایگزین شدن مشابه، که تولید آن آسانتر و بیشتر است، مانند: جوراب بافی، گیوه چینی، نمدمالی، دستکش و شالبافی و غیره، رو به فراموشی می روند.

«جماعت حکاک؛ سیم کش؛ زرکش؛ زری باف؛ گلابتن دوز؛ نقده دوز؛ لندره دوز؛ نقش دوز؛ یک دوز؛ گلچه دوز؛ سکه دوز؛ زنجیر باف از آن جمله اند» (هنر فر ۱۳۵۶، ۱۸۲). همچنین، کلاه مالی؛ تخت کشی؛ گیوه چینی؛ جوراب بافی؛ ریخته گری؛ شمشیر سازی؛ تفنگ سازی؛ کمان و زره سازی؛ گلچین دوز؛ قلاب بافی؛ مکرومه بافی؛ حصیر بافی؛ زین سازی؛ پالاندوزی؛ حناسابی؛ چوب شکنی؛ قفل و کلید و کلون سازی و غیره نیز از جمله این صنایع می باشند.

### مشکلات صنایع دستی:

- صنایع دستی عموماً مصرف مستمر و روزانه نداشته، بازار و مصرف کننده، خیلی زود اشباع و ارضاء و تامین می شود.
- به دلیل تولید غیرانبوه و دستی و نیاز به دقت و صرف وقت زیاد، این کالاها بسیار گران تمام می شود.
- کاهش مقدار جهانگردان خارجی که همواره از مشتریان علاقمند و پر سود برای این صنایع زیبا هستند.



موانع و مشکلات صدور این صنایع دستی به خارج شامل :

- موانع گمرکی،
- هزینه و مالیات خروج،
- کمی تبلیغات در رسانه های گروهی بین المللی و سایتهای اینترنتی،
- رقابت بعضی کشورها مثل چین، ژاپن، هندوستان، پاکستان، مصر و غیره،
- در مواردی، پایین آمدن کیفیت این هنر ها، تعجیل، عدم دقت و سرعت تولید که باعث عدم رغبت خریداران خارجی شده،
- عدم تنوع و گوناگونی رنگ، طرح، نوع و مقدار،
- مشکلات سیاسی و عدم رابطه کامل یا رابطه کامل حسنه با بعضی کشورها که قدرت خرید بالایی داشته و از مشتریان قبلی صنایع دستی هنری ایران و اصفهان بوده اند،
- عده زیادی به شوق آینده ای روشن و رونق توریسم با ذهنیت گذشته ی موفق این هنرها یا از سر بیکاری و سهولت و ارزانی کارگاه و ابزار (عدم نیاز به فضای زیاد حتی انجام کار در خانه) به این حرفه ها روی آورده، تولید آن بیش از فروش شده و ضمناً از کیفیت کار نیز کاسته شده است،
- عدم حمایت جدی دولت و یاری نرساندن مسئولان اجرایی در حد شایسته،
- نداشتن اتحادیه های قوی و فعال در شان و اهمیت این صنایع،
- بیمه نبودن هنرمندان،
- عدم حمایت مالی توسط بنگاه های پولی مثل بانک ها و صندوقها در واگذاری وام تسهیلات در اختیار آنها،
- عدم وجود یک شرکت تعاونی (تولید، توزیع، اعتبار و تبلیغاتی) قانونمند و توانا،
- عدم رعایت کنترل کیفی محصول و مشابه سازی، بدل سازی و افت کیفیت و مرغوبیت،

- بعضی صنایع دستی مانند فرش در بازار اصفهان به دلیل کیفیت پایین رنگ، طرح و بافت، قدرت رقابت با کرمان، یزد و غیره ندارد که بایستی در رفع این نقیصه و کیفیت بخشی به آن (با توجه به استعداد ذاتی خطه و مردم آن) اقدام کرد،

- ضعف فرهنگ دقت و ظرافت و وجدان کاری در تولید محصول که در دهه های اخیر مطرح شده،

- آکادمیک نبودن کامل دوره ها، آموزش ها و تعلیم و تعلم های نظری و عملی صنایع دستی. و بالاخره اینکه صنایع هنری و دستی همچنان در فشار هجوم ماشین و فراورده های انبوه و نسبتاً ارزان و متنوع آن قرار گرفته، روز به روز به نفع آن جا خالی می کند و از یک طرف کفه ی هنر های دستی سبک و کفه ی صنعت و فراورده های آن سنگین تر می شود. البته این روند چندان غیرعادی و غیر منتظره نبوده. زیرا علم و تکنیک، مغزها را فعال و کار دست ها را به ماشین سپرده است و عواملی از قبیل انرژی های ارزان و متنوع فسیلی و نیز برق، ورود انواع ماشین، ازدیاد جمعیت و نیاز به تامین سریع آنها و نیز تغییرات الگوهای مصرف این روند را تسریع کرده، عرصه را بر کارهای هنری و دستی تنگ می کند.

#### راهکارها:

ضرورت دارد با بررسی و برنامه ریزی های دقیق، حمایت دولت، همت بخش خصوصی و ارائه راهبردها و راهکارها توسط محققان، بین سنت و صنعت آشتی و هماهنگی حاصل و پیشنهاد های زیر نیز عملی گردد:

- فراهم سازی زمینه های صادرات بیشتر و اصولی تر

- تشویق و توسعه ی صنعت توریسم

- دانشگاهی کردن رشته های مختلف صنایع دستی در دانشگاه های هنر، اصفهان و آزاد

- بیمه کردن هنرمندان

- اعطاء تسهیلات مالی، اعتبارات ویژه و وام دراز مدت کم بهره

- تضمین خرید محصولات دستی
- مصرف و بکارگیری انواع صنایع دستی و مخصوصاً ظروف در هتل ها، دانشگاه ها، ادارات، نهادها، مساجد، یادگانها و غیره
- تشویق به دقت و ظرافت و ابداع در کارهای دستی
- خالی کردن میدان نقش جهان و بازار هنر از مشاغل غیردستی و سنتی تا جایی که حتی در بازار های بزرگ، اولویت با مشاغلی در ارتباط با تولید و عرضه ی کارهای دستی باشد.
- بخشودگی مالیاتی و عوارض، برای صاحبان مشاغل دستی
- تامین و گسترش شرکت های تعاونی تولید و توزیع صنایع دستی
- شناخت و پیدا کردن سلیقه های خریداران داخلی و خارجی در تولید و عرضه ی کارهای دستی مناسب
- ایجاد بانک اطلاعات و انتشار بولتن ویژه هنرهای دستی اصفهان، همچنین شرکت در نمایشگاه های داخلی و خارجی، انجام تبلیغات جهانی و ایجاد سایتهای اینترنتی و غیره
- ساخت اشیاء ویژه یادگاری از یادمان های ایران و اصفهان به طریق قلمزنی و خاتم کاری در شمایل جاکلیدی، دفتر تلفن، نمکدان، چتر، مداد و خودکار و غیره.
- با توجه به گستردگی بیکاری، خاصه در شهر اصفهان و وجود سرمایه های سرگردان و زمینه های محیطی و انسانی هنر و ظریف کاری، مخصوصاً صنایع دستی که نسبت به صنایع دیگر نیاز به سرمایه گذاری اندک دار و همه یا عمده مواد اولیه این صنایع از منابع داخلی و محلی تامین می شود؛ ضرورت و وجوب عقلی و عملی دارد تا در سرمایه گذاری و حمایت و گسترش کارهای دستی و صنایع ظریف در خطه و فضای هنری و هنرپرور اصفهان بکوشیم.
- با گسترش هنرهای دستی و سنتی، شجره نامه ی فرهنگی، ملی و مذهبی خود را ازگزند استعمار فرهنگی و حتی تکنولوژی مسلط؛ محفوظ نگه داریم.
- در غوغای ماشین و آلودگی های ناشی از تکنولوژی های جدید، توسعه و ازدیاد هنرهای دستی و صنایع ظریف، می تواند آرامش بخش، زیبایی آفرین و لذت آور باشد.

## منابع :

- ۱- انصاری، ه. (۱۳۷۹) «جامعه شناسی اصفهان» انتشارات نقش جهان، اصفهان.
- ۲- حسن بیگی، م. (۱۳۶۵) «مروری بر صنایع دستی ایران» انتشارات ققنوس، تهران.
- ۳- دانش منفرد، ع. (۱۳۸۱) «صنایع دستی ایران» روزنامه همشهری، تهران.
- ۴- شیخ الاسلامی، ح. (۱۳۷۲) «تاثیر متقابل صنعت توریسم و صنایع دستی، جهانگردی و توسعه» انتشارات بیتا، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- صدیق، ع. (۱۳۵۳) «یادگار عمر» وزارت فرهنگ و هنر (سابق)، تهران.
- ۶- صرامی، ح. (۱۳۷۵) «ساماندهی میدان نقش جهان اصفهان» مجله فرهنگ، سال اول شماره ۲ و ۳، اصفهان.
- ۷- مظاهری، ه. (۱۳۷۹) «آرامگاه خارجیان در اصفهان» انتشارات غزل، اصفهان.
- ۸- معین، م. (۱۳۶۴) «فرهنگ فارسی معین» ج ۷، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۹- میرعظیمی، ن. (۱۳۷۵) «اصفهان شهر جمال و کمال» بی ناشر، تهران.
- ۱۰- وولف هانس، ای. (۱۳۷۲) «صنایع دستی کهن ایران» مترجم، ابراهیم زاده، س. مجله آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- ۱۱- هنرفر، ل. (۱۳۵۶) «اصفهان» ص ۱۸۲، انتشارات جی بی، تهران.